

زندگی نامه / داستان ها / نمایشنامه ها / رمان ها / اشعار

کتابشناسی بهمن فرسی

شب یک، شب دو رمان سازمان چاپ و پخش ۵۱ - تهران ۱۳۵۳

سقوط آزاد مجموعه نمایشنامه نشر خاک - لندن ۱۳۷۰

سفر دولاب رمان نشر خاک - لندن ۱۳۷۰

دوازدهمی مجموعه ی ۷ داستان کوتاه نشر خاک - لندن ۱۳۷۰

با شما نبودم یادداشت ها و قلم اندازه‌ها، طنز و مقاله نشر خاک - لندن ۱۳۷۱

خود رنگ مجموعه شعر نشر خاک - لندن ۱۳۷۲

آوا در کاواک مجموعه شعر نشر خاک - لندن ۱۳۷۲

پنج داستان از شاهنامه ی فردوسی رستم و سهراب / کیخسرو / سیاوش / فرود / شغاد

بهمن فرسی متولد سال ۱۳۱۲ است. او پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۷ به لندن رفت به کارهای هنری مختلفی مانند ، نمایشنامه نویسی و بازیگری تئاتر، فیلم سازی، شعر و نقاشی و مجسمه سازی علاوه بر داستان نویسی پرداخت در لندن نشر خاک را دایر کرد و، آثارش را در نشر خاک منتشر کرد. او در واقع از پیشگامان و نو اندیشان نمایشنامه نویسی و ادبیات نوین ایران است.

فرسی به سال ۱۳۱۲ در تبریز به دنیا آمده است. او پس از رها کردن تحصیل و تجربه مشاغل مختلف به استخدام دولت درآمد. فرسی داستان نویسی را در کنار نمایشنامه و نقد در همان دوران جوانی آغاز کرده و به آن ها پرداخت. نخستین کتاب او «نبیره های بابا آدم» نام دارد که مجموعه ای از نثر آهنگین است. پیش از انقلاب مجموعه داستانی با نام "زیر دندان سگ" و یک رمان به نام "شب یک، شب دو" به قلم او به انتشار رسیده بود

فرسی بعد از این کتاب باز به نمایشنامه نویسی و کارگردانی بازمی گردد و آثاری را در این زمینه خلق می کند تا سال ۱۳۵۳، که رمان معروف او یعنی «شب یک، شب دو» منتشر می شود. او اولین مجموعه داستان خود را در "سال ۱۳۳۹ به چاپ رساند اما قبل از آن در نشریات مختلفی قلمفرسایی کرد که از آن جمله اند: "ایران آباد نگین"، "آشنا"، "چلنگر"، "اندیشه و هنر" و در روزنامه هایی مثل: "آژنگ" و "کیهان" داستان هایی "از او منتشر شد.

بهمن فرسی از همشاگردی های دکتر جمشید لایق از هنرمندان تئاتر، تلویزیون و سینما بود که با تئاتر سعدی همکاری می کرد و پیشنهاد تشکیل یک گروه تئاتری با علی نصیریان، فریدون فرخزاد، مهدی فتحی و چند تن دیگر را داد که خود فرسی مسئول انجمن هنری و این گروه کوچک تا پایان دوره ی دبیرستان بود وی حتا تجربه ی بازیگری در فیلم "پستچی" داریوش مهرجویی در کنار بازیگرانی مانند: عزت الله انتظامی، علی نصیریان، ژاله سام، احمد رضا احمدی، و... دارد "بهمن فرسی نمایش های "چوب زیر بغل"، "صدای شکستن"، "بهار و عروسک"، "گلدان" و "آرامسایشگاه" را در تهران روی صحنه برد. او در سال ۱۳۶۲ نمایش "گلدونه خانم" اسماعیل خلیج را کارگردانی کرد به گفته ی محمدعلی کشاورز در گروه هنر ملی گروه تئاتری به نام "مروارید" تشکیل شد که شاهین سرکیسیان رییس آن بود و بهمن فرسی، علی نصیریان، اسماعیل سنگله و خجسته کیا در آن عضو بودند فرسی می گوید: من کارمند هیچ جا نبودم. یک سال و خرده ای به اصرار فریدون رهنما عضو شورای تلویزیون بودم. بعدش هم استعفا دادم. به قطبی نامه ای نوشتم و به او گفتم: متأسفانه شما دکونی واکرده اید که غیر از ارتشاء و غیر و ذالک توش نیست. و نیز می گوید: من هیچوقت نه با کسی مسابقه ای داشتم نه به کسی کاری داشتم بهمن فرسی در آغاز دهه ی چهل کتاب های خود مانند "گلدان"، "با هو"، "چوب زیر بغل"، و "زیر دندان سگ" را منتشر کرد.

مجموعه داستان "زیر دندان سگ" در سال ۱۳۳۹ خورشیدی به کوشش شمیم بهار انتشار یافت و دربر گیرنده ی داستان هایی مانند "استخوان سوخته ها"، "آین عزب" و "در سوگ بستری که چیده شد" از اولین نشانه هایی است که آشکار می سازد فرسی نویسنده ای است معترض. برای مثال در داستان کوتاه "سوزن" از مجموعه ی "زیر دندان سگ" او از یک واقعه ی نه چندان پیچیده، با زیبایی زبانی، به نتایج فراگیر اجتماعی گریز می زند. داستان های او با زبانی بی پروا به پرده برداری از ناهنجاری های زمانه ی سیاه خویش می پردازد در رمان "شب هول"، هرمز شهدادی ذهنیات راوی را در تقابل با اجتماع پیرامون اش چون اثری گزنده و: هول انگیز نمایش می دهد.

اساسا همه روابط بشری و اجتماعی را نادرست بشناسم. کتابهای ترجمه و غیر ترجمه، همه، نوعی بینش "رمانتیک را در من به وجود آورد که دو سال طول کشید تا خودم را از آن خلاص کنم. درست نمی دانم کی و چگونه اتفاق افتاد. ولی یک روز، چشمهایم را باز کردم و دیدم اگر دیر بجنبم من هم نابود خواهم شد. من هم یکی از افراد نسل خودم خواهم شد که نسل بی ریشه ای است. ما نه با گذشته ارتباط داریم و نه با آینده. خواننده هایمان پراکنده و ناقص است. هیچ کدام آن آگاهی لازم را ایجاد نمی کند. چه فرقی میان زنجمره این خواننده های رادیو است و آه و ناله فلان شاعر یا داستان نویس؟ شرایط بحرانی جامعه در کدام اثر هنری متداول بازگو شده است؟ بالاخره به این نتیجه رسیدم که باید یک بار و برای

همیشه از گذشته دست بردارم . باید با شناخت تازه ای که بدست آورده ام ، ذره ذره ، جزء به جزء ، شرایط محیط ، روابط اجتماعی ، و خلاصه همه وجوه حیات فردی و جمعی خودم را تجزیه و تحلیل کنم و آنگاه محصول فعالیت نظری را در عمل به کار ببرم . محک و "...معیار دیگری نیست . خوشبختانه راه درست را زود پیدا کردم . راه عمل را این زبان که در سراسر رمان مزبور سایه وار بر ذهنیت خواننده احاطه دارد در واقع تالی زبان اعتراض آمیز داستانی فرسی است سال ها بعد، مجموعه ای دیگر از داستان های کوتاه بهمن فرسی با عنوان "دوازدهمی" با امضای "بف" در دوره ای که به زعم وی "عصر قلم آشوب" است انتشار می یابد از ویژگی های دیگر نوشته های او غنای "زبان عامیانه" است که به مجموعه داستان "دوازدهمی" می توان اشاره نمود که مانند مجموعه نمایشنامه های "سقوط آزاد" سرشار از زبان عامیانه در متن است و واژه سازی های داستانی مدرن را از متن زبان عامیانه بیرون می کشد. در آثار متاخرتر گاه گریز به معنای انتقاد از آن چه از آن گریزان هستیم است و معنای اعتراض را در خود مستتر دارد. گاه هم گریز حالت نفی و بی اعتنایی را با خود به همراه دارد یا از آن ناشی می شود. من آن چنان به دو حالت نفی و بی اعتنایی در این جا تاکید می ندارم و آن را ناشی از ناصحیح بودن راهی که برگزیده شده می دانم. پس تا این جای ماجرا قبل از هرگز گریزی باید به آن چه که از آن گریز می زنیم واقف باشیم و نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. از این جاست که نمی توان به گریزی که بدون وقوف بر آثار پیشین انجام می شود، دل بست. از سوی دیگر اغلب گریزهایی در روند آثار ماندگار جای می گیرد که معنا و شکل در اثر گریز زنده با هم همخوانی داشته باشد. این نکته از آن جا ناشی می شود که گاه گریز تنها در شکل اثر تجلی می یابد و گاه تنها در معنای اثر نمود دارد. در روند ادبیات داستانی ایرانی معاصر از آغاز تاکنون نحله های مختلفی همواره محور بوده اند که این نحله ها وقتی به جریان تبدیل شده اند که از مولفه های خاصی برخوردارند. بنابراین باید توجه داشت که گریز تنها شامل حال آثار خلاقه نیست و برخی اوقات بنا بر رویکرد معنایی شاهد گریز هستیم. البته در این جا آن چنان به گریز معنایی صرف کاری ندارم توجه داشته باشیم که این گریز همراه با وقوف و آگاهی نویسنده نسبت به کمی و کاستی های ادبیات رایج زمانه اش و همچنین وقوف بر ضرورت گریزی است که باید انجام گیرد محمدعلی جمالزاده با رمان "یکی بود یکی نبود" در این مقدمه است که نویسنده انتقاد خود را نسبت به ادبیات رسمی و دیوانی روزگار خود توضیح می دهد و همواره می کوشد تا ضرورت کاری را که انجام می دهد بیان کند. توجه داشته باشیم که در این مقطع از زمان، نویسنده خود نقش توضیح دهنده اثرش را نیز برعهده بگیرد قصه یی مانند "درد دل ملا قربانعلی" است که به لحاظ شکل و معنا با توجه به ماجرای گریز نسبت به ادبیات قبل از خود است.

صادق هدایت نویسنده خلاق و پیشرو ایرانی در روند داستانی ایرانی معاصر در آثار خلاقه اش به مانند جمالزاده از ادبیات رایج زمانه اش گریز می زند. گریز هدایت در آثارش علاوه بر این که در قالب نوع و پیشروی انجام می شود در گریز از نگاه رسمی و فرهنگ غالب بر تاریخ ایران است از سوی دیگر بزرگ علوی از بنیان گذاران ادبیاتی به نام ادبیات زندان نیز که این نوع از ادبیات، در ادبیات جهان در میان آثار شاخص جایگاه ویژه یی را به خود اختصاص داده است صادق چوبک در ارتباط با زبان به لحاظ ساختاری نیز چوبک در سنگ صبور نویسنده یی است که جریان گریز است ابراهیم گلستان و جلال آل احمد هر کدام به نوعی از سنت داستان نویسی قبل از خود گریز می زنند. گریز جلال احمد در آن بخشی اهمیت می یابد که تلاش دارد تا با گریز از پیرو محض دستاوردهای داستان نویسی غرب بودن، راه چاره یی بیابد تا داستانی براساس سنت داستان نویسی شرقی خلق کند گریز ابراهیم گلستان جدای از نثر و زبانی که پیشنهاد می دهد به نوعی ریشه در نقد و اعتراض و پرخاش به فرهنگ رسمی و رایج زمانه اش نیز است. پیشنهادهای گلستان در نوع خود منحصر بفرد می ماند و متأسفانه در ادبیات نسل بعد جریان نمی یابد گرایش غلامحسین ساعدی در برخی از آثارش را نیز باید نوعی دیگر از گریز نسبت به ادبیات داستانی قبل از خود محسوب کرد. ساعدی در خلق فضایی برآمده از خلق و خوی مردمان داستان هایش در جهان واقع دستاوردی قابل تامل برای ادبیات داستانی ایرانی معاصر به شمار می آید بهرام صادقی از دیگر نویسندگان گریز ادبیات داستانی ما است که هنوز هم رویکرد او به ادبیات داستانی قبل از خودش قابل تامل و بررسی است. نکته قابل توجه در چگونگی گریز بهرام صادقی در این است که در آثارش از خود نیز گریز می زند و در آن جا که دیگر راهی برای گریز از آن چه دستاوردهای خودش است از نوشتن گریز می زند و ده سال از عمرش را در سکوت سپری می کند نویسندگان گریزها در دهه ی چهل و پنجاه در دهه های بعد از سوی جریان غالبی که محصول اتحاد و اقتدار نویسندگان متوسط است، به دست فراموشی سپرده می شوند بهمن شعله و با رمان «سفر شب»، فریدون هویدا با رمان «قرنطینه»، شمیم بهار با قصه های پراکنده اش در مجله اندیشه و هنر که هنوز هم در یک جاگرد نیامده است، کاظم تینا، مسعود زوار زاده، عباس نعلبندیان بارمان وصال در وادی هفتم، بهمن فرسی با رمان «شب یک، شب دو»، هرمز شهدادی با رمان «شب هول»، علی مراد فدایی نیا و یکی دو نام دیگر از این دست هستند. سفر شب، یکی از مدرن ترین رمان های فارسی است بهمن شعله و به عنوان یکی از نویسندگان جریان گریز در این سال ها به راحتی از جریان ادبیات داستانی ما کنار گذاشته می شود و در تمام این سال ها کمتر نامی از او در میان است. تحلیل و بررسی رمانی چون سفر شب. در این سال ها می توانست بخشی از رمان نویسی ما را در این دو دهه تقویت کند رمان نویسی عباس نعلبندیان نیز در این دو دهه به راحتی کنار گذاشته می شود. این تجربه به کلی کنار گذاشته شده است. این در حالی است که بخشی از تجربه نعلبندیان در ساختار شکنی و متفاوت

نویسی در دهه ی هفتاد در آثار نویسندگان نسل جوان به عنوان تجربه های ناب و منحصر فرد تکرار می شود تجربه ی کاظم تینا در زبان، تجربه یی ناب است که در دهه ی اخیر شاهد تکرار آن به عنوان تجربه های جدید مطرح می شود. حذف علایم سجاوندی و تلاش برای مخترع بودن در زبان و دست رسی برای زایش در زبان در تجربه های تینا که مربوط به دهه ی چهل است، باید پرسید منتقدان غایب صحنه ادبیات داستانی ما چرا در این موارد هنوز ظهور نکرده اند؟ بیژن نجدی و مهدی یزدانی خرم و شمیم بهار وزکریا هاشمی، عباس پهلوان نیز از نویسندگان جریان گریزی هستند که ارزشی برای خود نمایی قائل نمی شدند. و در سکوتی که خود برگزیدند آثار خواندنی و با ارزشی را آفریدند بهمن فرسی را بیشتر به عنوان نمایش نامه نویس می شناسیم. این شناخت هم برای خیلی از ما ایرانی ها ناشی از برخوردی است که جلال آل احمد با نمایش نامه «گلدان» در نقدی که بر آن نوشت. این در حالی است که بهمن فرسی در کارنامه کاری خود تجربه های داستان نویسی هم دارد. از این میان می توان به رمان «شب یک، شب دو» اشاره کرد: قسمتی از رمان "شب یک، شب دو" نوشته ی بهمن فرسی

این یادداشت یک دلیل طولانی دارد: اعتقاد به انفجار، به عصیان، به بدی و ناهمواری آدمیزاد، به حقانیت "عطش"، حقانیت شر، به حماقت و امید زاوش ایزدان، به عشق تو، بله، به هر حال کلمه عشق، کلمه یی که از آن می ترسم و متنفرم، عشقی که در توست، در من است، و بی هیچ باوری، و پر از باور، می توان آن را گفت، نوشت، این همان ویرانه یی ست، که از آبادترین آبادی ساخت آدمیزاد، خواستنی تر و خرم تر است دیگر چه بنویسم؟ دو کلمه، چند کلمه، یک نفس، یک بو، صدایی از رهایی دست و پایت، بنویس! بی تو و به انتظار تو این اتاق، این خانه ی فردا جهنم است. اگر آمدی و این کلمات را خواندی مرا ببخش. زیرا من هم تو را به خاطر همه نافرمانی ها و ناتوانی ها و آزارهایت می بخشم. اگر خواستی پیدایم کنی از این اعداد کمک "....بخواه

: « در این جا شعری از بهمن فرسی را با عنوان «گفتن» از مجموعه اشعار «آوا در کاواک

گفتن *

از درازی حکایت

از کوتاهی دست

و شتاب وقت

برای پریدن

...از بام انسان است

اگر دیرگاه و

بی گاه

جانمویه ای به واژه

و واژه ای به دفتر می نشیند

و از برای آن

تا سکوت

پرستنده ای در من

سراغ نکند

و خاموشی بیدار مرا

سجودی از سر تمکین

به آستانش

در شمار

نیارد

ورنه کدام خامه درخوی تپنده از شرم

در این معاد هجرت و فرقت

در این خم خراب تاریخ

که رنگ ها

نیرنگ از کار درآمدند

که صداها

...بی سیرت شدند

و جان ها به منزل

و باورها به ساحل

نرسیدند

...و نمی رسند

و زخم‌ها که از سر دل‌ها

...سایه بر نمی‌گیرند

در این وانفسا

آیا

باز هم سخن؟

باز هم گفتن؟

*** بهمن فرسی. آوا در کاواک، دفتر اشعار. لندن، نوامبر ۱۹۹۳. دفتر خاک**

فرسی به خصوص در رمان "شب یک، شب دو" چنان روایتی از زندگی روشنفکران ایرانی به دست می‌دهد که شاید از منظر روایت و داستان در نوع خود کم‌نظیر باشد. بهمن فرسی، این روزها در ۷۲ سالگی به سر می‌برد و سال‌ها است که از ایران کوچ کرده و ساکن اروپا است. انسان آثار بهمن فرسی از یک بیماری مزمن و کشنده عذاب می‌برد که این بیماری به مانند جذام، به تدریج خاصیت «من‌راوی» را از او بازپس گرفته و حالت «من موضوع و یا من ابژه» را به وی تلقین می‌کند. فرسی در مرحله دوم این تقابل ساختاری، به سراغ موضوع‌ها و روایاتی می‌رود که تجربه آنها، نیازمند یک روایت پویا و خلاق تصویری است. چیزی که فرسی به خوبی آن را می‌شناسد. همان‌طور که بحث شد، انسان بهمن فرسی، موجودی خسته، دلزده و بی‌روح است که در مراحل مختلف وجودی خود روایت می‌شود. این انسان که در بسیاری از داستان‌های فرسی، روشنفکر و یا تحصیلکرده‌ای تباه شده است با حمله به سوی ساختارهای جامعه و در واقع انتقام کشیدن از آدم‌ها و شهر پیرامونش می‌کوشد تا از من‌روایتگر خود دفاع کند. در واقع با ساختار روایی‌ای که او را در بر گرفته است سر‌عناد دارد و به دلیل روحیه آنارشیستی خود، هیچ فرم و چارچوبی را برای روایتش قبول نمی‌کند. به‌طور مثال، فرسی در رمان شب یک، شب دو، با انتخاب فرمی براساس نام‌های کوتاه عاشقانه، نوعی تک‌گویی درونی مدرن را به وجود می‌آورد که طی آن حالت نام‌گونه متن از بین رفته و مخاطب می‌تواند، آدم‌های داستان را در ذهنش طراحی کند. او بدون پیمودن پروسه‌های طبقه‌بندی شده به این کابوس دست یافته و فرسی با مدد از دیالوگ، مونولوگ و هر آنچه که بتواند ساختار از پیش تعیین شده را در تضاد با انسانش قرار دهد، مدد گرفته و شاید نمونه‌های بسیار تلخ داستان دهه‌های چهل و پنجاه را رقم می‌زند نکته مشترک بین این گروه از نویسندگان، روایت بی‌پروا و چندسویه ایشان از زوال منش‌های روشنفکری و شهری در ایران است. چیزی که در اواخر دهه پنجاه قطع شده و موجب فراموشی بسیاری از این نویسندگان

بزرگ می‌شود "آرامسایشگاه / نویسنده و کارگردان: بهمن فرسی / بازیگران: علی نصیریان، فخری خورش"